



بررسی مسئله زن در سخنان امام علی(ع) سهل ممتنع است/چه زنان و مردانی مورد نكوهش حضرت امیر بودند

بررسی مسئله زن در سخنان امام علی(ع) سهل ممتنع و مستلزم گردآوری تمام سخنان و قضایای تاریخی در این باره و آگاهی گسترده از وضعیت تاریخی و اجتماعی آن دوران است.

بررسی مسئله زن در سخنان امام علی(ع) سهل ممتنع و مستلزم گردآوری تمام سخنان و قضایای تاریخی در این باره و آگاهی گسترده از وضعیت تاریخی و اجتماعی آن دوران است.

امام علی(ع) در خطبه هشتاد نهج البلاغه می فرمایند: «ای مردم جمعی از زنان هم از نظر ایمان، هم از جهت بهره و هم از موهبت عقل در رتبه ای کمتر از مردان قرار دارند، اما گواه بر کمبود ایمانشان همان بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت است و اما بهره آنها، گواهی این است که سهم ارث آنان نصف سهم مردان است و اما بهره آنها این است که شهادت دو نفر آنان معادل شهادت یک مرد است. پس از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکان آنها باشید، اعمال نیک به عنوان اطاعت و تسلیم بی قید و شرط(در برابر) آنان انجام دهید تا در اعمال بد انتظار اطاعت از شما نداشته باشند.»

این خطبه را «سبط ابن جوزی» در کتاب «تذكرة الخواص» نقل کرده و عده‌ای دیگر از دانشمندان نیز آنرا نقل کرده اند. (مستدرک و مدارک نهج البلاغه، صفحه 246)

شك نیست که سخن بالا يك قانون کلی و همگانی درباره عموم زنان نیست، بلکه با توجه به اینکه این خطبه بعد از جنگ جمل و آن همه خون ریزی‌هایی که به وسیله عایشه رخ داد. از امام(ع) صادر شده، درباره دسته خاصی از زنان است که در این گونه مسیرها گام بر می دارند و گر نه چه کسی می تواند انکار کند که در پیشرفت اسلام زنان بزرگ و با شخصیتی همچون خدیجه(س) و بانوی اسلام فاطمه زهرا(س) و زینب کبری(س) و جمعی از زنان مبارز و دانشمند همانند سوده همدانیه شرکت داشته اند و برای پیشرفت اسلام و اجرای حق و عدالت بزرگترین فداکاری را به خرج داده اند و با ایمانی محکم و تفکری عالی، مردان خود را با تمام وجود در این مسیر حمایت می کردند و علی(ع) نیز برای آنها احترام فوق العاده قائل بود.

ابن ابی الحدید می گوید: هر کس در تاریخ و اخبار چیزی نوشته صریحا گفته است عایشه سرسخت ترین دشمنان عثمان بود، حتی روزی یکی از لباسهای پیامبر(ص) را بیرون آورد و در منزل خویش آویخت و به هر کس وارد خانه می شد می گفت: این لباس پیغمبر(ص) است هنوز کهنه نشده و عثمان سنت او را کهنه ساخته است. گفته اند نخستین کسی که عثمان را «نعتل» نامید و همواره می گفت: «اقتلوا نعتلا قتل الله نعتلا: نعتل را بکشید خدا او را بکشد» عایشه بوده است. عایشه هنگام کشته شدن عثمان در مکه بود گزارش قتل عثمان را به او دادند و او خیال می کرد پس از عثمان طلحه را خلیفه خواهند کرد، لذا از مکه با سرعت به سوی مدینه حرکت کرد و در سرزمینی بنام «شراف»، «عبید بن ابی سلمه» از او استقبال کرد، عایشه اخبار مدینه را از او پرسید و او پاسخ داد، عثمان کشته شد. عایشه پرسید بعد از آن چه؟ گفت: با علی(ع) بهترین رهبر بیعت کردند. عایشه گفت اگر این حرف صحیح باشد ای کاش آسمان بر زمین فرو ریزد وای بر تو بین چه می گوئی؟ گفت: همان است که گفتم، عایشه سخت ناراحت شد.

«عبید» پرسید: ای مادر مؤمنان چرا این طور شدی؟ من بین مشرق و مغرب بهتر و سزاوارتر از او به خلافت سراغ ندارم و نظیری برای او در تمام حالات نمی بینم چگونه تو از حکومت او ناراحتی، عایشه جوابی نداد! دستور داد از همانجا او را به مکه برگردانند و در بین راه می گفت: «قتلوا ابن عفان مظلوما: عثمان را مظلوم کشتند!» طلحه و زبیر، نامه ای به وسیله عبدالله زبیر برایش فرستادند و از او خواستند به عنوان مطالبه خون عثمان مردم را از بیعت علی(ع) برگردانند. هنگامی که عایشه در مکه مقدمات کارش را فراهم می کرد «ام سلمه» نیز در مکه بود و تصمیم گرفت از امام دفاع کند، عایشه می خواست ام سلمه را همچون «حفصه» در مبارزه با امام(ع) با خود همراه سازد لذا او را خواست و کمی از مظلومیت عثمان برای او صحبت کرد. ام سلمه در پاسخ گفت: تا دیروز مردم را بر ضد عثمان می شورانیدی و او را «نعتل» می خواندی چرا امروز چنین می گوئی با اینکه موقعیت علی را در نزد پیامبر(ص) خوب می دانی و اگر فراموش کرده ای تا یادآوری کنم؟ عایشه گفت عیبی ندارد!

ام سلمه گفت: به خاطر داری که تصمیم گرفتی به پیامبر(ص) و علی(ع) هنگامی که صحبت آنها طول کشید پرخاش کنی و پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: به خدا سوگند هیچ کس علی را دشمن نمی دارد و با او کینه نمی ورزد - خواه از اهل بیت(ع) من باشد یا نه جز اینکه از ایمان خارج می گردد؟ عایشه گفت آری و نیز به خاطر داری که علی(ع) کفش پیامبر را تعمیر می کرد، پدرت و عمر از پیامبر در مورد اینکه چه کسی را به خلافت برمی گزیند پرسش می نمودند و پیامبر در پاسخشان فرمود جایی که الان نشسته می بینم و اگر بگویم از گردش پراکنده خواهید شد چنانکه بنی اسرائیل از دور هارون پراکنده شدند و پس از رفتن

عمر و پدرت تو از پیامبر پرسیدی چه کسی را خلیفه قرار خواهی داد؟ پیغمبر فرمود: آن کس که کفش را تعمیر می کند و ما نگاه کردیم کسی جز علی نبود، پرسیدیم مقصود علی است؟ گفت آری، این مطلب را بیاد داری؟ عایشه گفت: بلی! ام سلمه پرسید: پس چرا می خواهی با او مبارزه کنی؟ گفت: برای اصلاح بین مردم! ام سلمه گفت: خود می دانی! و از هم جدا شدند، ام سلمه این جریان را برای امام نوشت.

عایشه هنگام حرکت شتری از شتران «یعلی بن امیه» بنام «عسگر» در اختیارش قرار دادند تا سوار گردد و هنگامی که نام آن را شنید به یاد حدیثی افتاد که پیامبر به او فرموده بود و او را از سوار شدن شتری به این نام بر حذر داشته بود. دستور داد این شتر را برگردانند ولی آنها جهاز و وسائل آنرا تغییر دادند و گفتند این شتر دیگری است، عایشه به سوی بصره حرکت کرد. در بین راه سگها حمله کردند و شتران را فرار دادند کسی گفت «حوب» سگهای فراوانی دارد و سخت حمله می کنند، عایشه که نام «حوب» را از پیامبر شنیده بود که سگهای حوب در راه حرکت به سوی جنگی ناپسند به او حمله می کنند، يك مرتبه به خود آمد و گفت: سگهای حوب؟! مرا برگردانید، اما بلا فاصله 50 نفر را فراهم کردند که قسم خوردند اینجا سرزمین حوب نیست و بالاخره رفت و جنگ جمل را براه انداخت. (شرح ابن ابی الحدید، جلد 6، صفحه 215 تا 227)

بررسی مسئله زن در سخنان امام علی(ع) سهل ممتنع است. آنچه در نهج البلاغه و سایر متون تاریخی و حدیثی به ایشان منسوب است، آهنگی ملامتگر و تنقیص کننده دارد این امر، زمینه گفتگوهای فراوان و داووبهای متناقض را پیش آورده است. بررسی جایگاه زن در اندیشه امام علی(ع) مستلزم گردآوری تمام سخنان و قضایای تاریخی در این باره و آگاهی گسترده از وضعیت تاریخی و اجتماعی آن دوران است. همچنین بررسی اسناد و متون منقول، از لحاظ درستی انتساب و استواری متن، مهمترین مرحله چنین پژوهشی خواهد بود تا در پرتو آن سره از ناسره بازشناخته شود.

«او من ینشوا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین» (زخرف/18) «آیا کسی را که در لابه لای زینت ها پرورش می یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می خوانید؟)» در آیه فوق به دو ویژگی زن، که ساختار روحی وی را نشان می دهد اشاره شده است: الف: نشو و نما در زیور آلات و آرایش و خودنمایی. ب: فقدان منطق قوی در استدلال و حجت آوری. هر دو شاخص نشانگر کاستی عقل زنان می باشد. به همان نحو که علی(ع) زنان اصحاب جمل را به کاستی عقل منتسب می کند مردان ایشان را نیز سبک عقل و سفیه می خواند. پس چرا از گفتار علی(ع) در مورد زنان قانون کلی استنتاج می شود، ولی در مورد مردان حمل به مورد می گردد؟ آیا وحدت رویه اقتضا نمی کند که بگوییم در مورد زنان نیز، همان افراد ویژه مقصود امیرالمؤمنین(ع) بود؟

بانوان نباید از عبارات امیرالمؤمنین(ع) در خطبه هشتاد مبنی بر کم خردی زنان، آزردگی خاطر شوند زیرا عبارات علی(ع) در نکوهش مردان اصحاب جمل به مراتب تندتر از عبارات ایشان درباره زنان اصحاب جمل می باشد، در حالی که نقش زن در آن فتنه برجسته تر بود.

امیرالمؤمنین(ع) نقل می کند ما با رسول خدا(ص) بودیم و ایشان درباره آیه 282 سوره بقره با ما گفتگو می کرد که ناگاه زنی آمد و پیش روی رسول خدا(ص) ایستاد و گفت: پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا(ص)، من پیک زنان به سوی شما هستم، هیچ زنی نیست که خبر آمدنم به نزد شما به وی برسد مگر اینکه شنیدن این خبر وی را خشنود سازد. یا رسول الله(ص)! خداوند عز وجل پروردگار مردان و زنان و آفریننده و روزی دهنده مردان و زنان می باشد و همانا آدم پدر مردان و زنان می باشد و حوا مادر زنان و مردان می باشد و همانا تو فرستاده خدا به سوی مردان و زنان هستی زنان را چه می شود که درباره «گواهی» و «میراث» دو زن برابر یک مرد قرار می گیرد؟

رسول خدا(ص) فرمود: ای زن، این حکم از جانب خداوند عادل و حکیم می باشد که از حق تجاوز نکرده و ناروا حکم نمی دهد و از ممنوعیت شما سود نمی برد با علم خویش امور را تدبیر می کند، زیرا شما ناقص خردید. زن گفت: ای رسول خدا، نقصان ما در چیست؟ فرمود: هر یک از شما نصف روزگارش را به خاطر عادت ماهانه نماز نمی خواند و زیرا شما زیاد نفرین می فرستید و ناسپاسی فامیل می کنید. هر یک از شما بیست سال و بیشتر نزد مردی زندگی می گذرانید که از نیکی وی بهره مند می شوید. وقتی مرد دست تنگ شد یا کار به مخاصمه کشیده شد، زن می گوید: من هرگز در تو خیری ندیدم. رسول خدا(ص) در ادامه می افزاید، هر زنی که این خصوصیات اخلاقی را نداشته باشد پس هر محنتی که از ناحیه این نقصان به وی می رسد باید صبر پیشه کند که خداوند ثواب او را گرامی خواهد داشت. ای زن هیچ مرد پستی نیست که زنی پست تر از او یافت شود و هیچ زن شایسته ای مگر در مقابل مردی شایسته تر از او وجود دارد.